حوادث کوتاه

شلیک مرگ به زن جوان در استهبان

مردی ۳۹ ساله که با اسلحه همسر خود را به قتل رسانده بود، دستگیر شد.
سرهنگ حسین اکبرپور، فرمانده انتظامی استهبان گفت: روز جمعه گذشته در پی اعلام به پلیس ۱۱۰ مبنی بر قتل زن جوانی در شهرک صنعتی استهبان، بلافاصله مأموران انتظامی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند.
وی افزود: مأموران در بررسی‌های اولیه مطلع شدند که مردی به دلیل اختلاف خانوادگی با یک قبضه اسلحه شکاری غیرمجاز همسر ۳۱ ساله خود را به قتل رسانده است.
فرمانده انتظامی استهبان ادامه داد: مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند و با اقدامات فنی و تخصصی موفق شدند قاتل را شناسایی و وی را در مخفیگاهش دستگیر و اسلحه به کار رفته در صحنه قتل را نیز کشف کنند.
سرهنگ اکبرپور با بیان اینکه قاتل پس از تشکیل پرونده به مرجع قضایی معرفی شد، از شهروندان خواست در صورت بروز هرگونه اختلاف، برای برطرف کردن آن به مراکز مشاوره فعال و دارای مجوز مراجعه کنند.

حمله خرس وحشی به پسر ۱۶ ساله

یک قلاده خرس در روستای سیبک حوالی مراتع تنگ سیاه به نوجوانی ۱۶ ساله حمله کرد.
ساعت ۱۴ روز جمعه ۲۷ خردادماه برای کمک به نوجوان ۱۶ ساله‌ای که در روستای سیبک حوالی مراتع تنگ سیاه به دلیل حمله خرس دچار تروما شده بود درخواست خدمات اورژانسی شد.
بلافاصله آمبولانس اورژانس پایگاه بلداجی به محل حادثه اعزام شد و مصدوم جهت انجام اقدامات درمانی تکمیلی توسط کارشناسان عملیاتی اورژانس به بیمارستان ولیعصر بروجن انتقال یافت.
طبق اعلام روابط عمومی بیمارستان بروجن حال عمومی مصدوم مساعد است و تحت مراقبت و درمان قرار دارد.

واژگونی مرگبار اتوبوس زائران عراقی در جاده نیشابور

رئیس پلیس راه نیشابور علت واژگونی اتوبوس زائران عراقی در محور سبزوار را تغییر مسیر ناگهانی خودروی پراید اعلام کرد. سرهنگ علی اکبر عرفانی مهر گفت: براثر واژگونی اتوبوس زائران عراقی در جاده سبزوار به نیشابور ۴ نفر کشته و ۱۹ تن نیز مصدوم شده‌اند.
رئیس پلیس راه نیشابور بیان کرد: ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز در کیلومتر ۶۵ محور سبزوار به نیشابور، اتوبوس زائران عراقی که به سمت نیشابور در حرکت بود بر اثر برخورد با ۲ خودروی پراید واژگون شد. وی با تأکید بر اینکه اتوبوس حامل زائران عراقی بوده است، گفت: در این حادثه ۳ تبعه عراق و یک ایرانی جان خود را از دست دادند. عرفانی مهر با اشاره به اینکه در بررسی‌های اولیه مشخص شده تغییر مسیر ناگهانی خودروی پراید باعث واژگونی اتوبوس شده است، بیان کرد: ۲ خودروی پراید بدون خسارت جرحی بوده‌اند و فقط خودروها آسیب دیده‌اند.

کلاهبرداری مرد معلول نما در قزوین

دادستان عمومی و انقلاب قزوین از دستگیری گدایی خبر داد که با تظاهر به نداشتن یک دست و معلولیت در پاها حس ترحم رهگذران را جلب می‌کرد.
حسین رجبی در قزوین، از دستگیری گدایی خبر داد که با دستور مقامات قضایی نسبت به دستگیری فردی که در سطح شهر قزوین با تظاهر به نداشتن یک دست و معلولیت در پاها اقدام به راه رفتن جهت ترحم رهگذران و تکدی‌گری می‌کرد، دستگیر و پرونده قضایی برای نامبرده تشکیل شد. وی اضافه کرد: طبق ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی تکدی‌گری جرم است و هر کس که با تکدی‌گری و بر انگیختن حس ترحم مردم امرار معاش کند، به یک تا ۳ ماه حبس محکوم می‌شود. رجبی ادامه داد: همچنین اگر توان مالی داشته باشد و باز به امر تکدی‌گری مشغول باشد، در این صورت علاوه بر مجازات حبس یک تا ۳ ماهه، همه اموالی که از طریق تکدی‌گری به دست آورده، مصادره می شود.

روایت تکان‌دهنده امدادگر هلال احمر از یک تصادف

مرگ اسیدی در صبحگاه مه‌آلود

زهرا علی هاشمی/ ماجرا مربوط به حدوداً پنج سال پیش است. حادثه‌ای تلخ در استان آذربایجان شرقی رخ می‌دهد که بازگو کردنش، آنچنان برای راوی دردناک است که میانه گفت‌وگو، گریه امانش را می‌برد. از این حادثه دردناک، فقط خاطراتی تلخ باقی مانده‌اند و یک لباس! لباس فرم هلال احمری که با اسید سوراخ سوراخ شده است. ناصر غلامی هوجقان، نجاتگر سابق هلال احمر در امداد هوایی تبریز آذربایجان شرقی است. او از سال ۱۳۷۹ به جمعیت هلال احمر پیوسته و دو سال پیش، فعالیت داشته است. او در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به اینکه این حادثه درست در یک صبح پر از مه پاییزی رخ داد، می‌گوید: «در عوارضی تبریز- بستان‌آباد، من و سایر اعضای هلال احمر مشغول کشیک دادن بودیم. هیچ کدام‌مان نمی‌دانستیم در آن صبح دل انگیز پاییزی که هوا بسیار مطبوع شده بود، حادثه‌ای رخ می‌دهد که تا آخر عمرم فراموش نمی‌کنم.»

تصادف وحشتناک وانت پیکان با نیسان در صبح پاییزی

ناصر غلامی در خصوص جزئیات این حادثه می‌گوید: «ساعت ۶ و نیم صبح بود. به‌دلیل مه گرفتگی شدید هوا و کاهش افق دید، یک خودروی وانت پیکان از پشت سر به یک نیسان برخورد کرد. راننده وانت، در صف عوارضی بود که تصور می‌کرد راننده جلویی از گیت عوارضی رد شده است، برای همین کمی سرعتش را بالا برده بود. او فقط می‌خواست زودتر عوارض را پرداخت کند؛ اما به نکات ایمنی رانندگی حین مه‌گرفتگی هوا بی‌دقت بود که این وانت ناگهان با نیسان رو به رویی برخورد کرد.»

روی راننده ماشین عقبی اسید ریخت

این نجاتگر سابق هلال احمر با اشاره به اینکه باری که نیسان حمل می‌کرد اسید بود، می‌افزاید: «به علت شدت تصادف، راننده خودروی وانت پیکان در ماشین گیر افتاده بود و فرمان ماشین طوری شکسته بود که منجر به این شد که نتوانیم به راحتی او را از خودرو خارج کنیم. به همراه رسول نیازی و مجتبی پورعباس، هر دو نجاتگر هلال احمر، در تلاش بودیم که با استفاده از ست نجات هیدرولیک پنوماتیک این راننده را نجات دهیم. از بد حادثه، شیشه جلوی ماشین نیز خرد شده و اسیدهایی که پشت ماشین نیسان بود، روی این راننده ریخته بود.»

راننده زنده زنده در اسید می‌سوخت

او در توصیف این لحظات حساس و خطرناک می‌گوید: «راننده همچنان زنده بود؛ اما بدنش در اسید می‌سوخت و ما فقط می‌بایست به سرعت او را از آن وضعیت خارج می‌کردیم. دیدن این فرد در چنان وضعیتی، ما را به شدت آشفته کرده بود تا جایی که اصلاً متوجه نشدم که اسید روی لباس من هم ریخته است. ما به هر سختی که بود فرمان ماشین را جدا کردیم تا راننده حادثه دیده از آن شرایط ترسناک نجات پیدا کند.»
ناصر غلامی می‌افزاید: «دیگر فرصتی برای اینکه صبر کنیم تا اورژانس به محل حادثه برسد نداشتم. زمان داشت از دست می‌رفت و هر ثانیه برای نجات جان این راننده برای ما ارزشمند بود. ما او را سوار بر ماشین هلال احمر کردیم تا به نزدیک‌ترین بیمارستان برسانیم. آنجا من معنی دو واژه «بیم و امید» را کنار هم درک کردم. هم می‌ترسیدیم که راننده جانش را از دست دهد و هم امید داشتیم که با رسیدن به بیمارستان وضعیتش رو به بهبود برود.»
او در ادامه می‌گوید: «دیدن سوختن یک انسان با اسید، برای ما دردآور بود برای همین با سرعت خیلی زیادی سعی داشتیم تا او را به بیمارستان برسانیم تا هرچه زودتر از دردش کم شود؛ اما و صد اما.»
این نجاتگر سابق هلال احمر به این قسمت از بازگو کردن ماجرا که می‌رسد با گریه می‌گوید: «تلاش‌های ما بی‌نتیجه ماند و ناگهان اتفاقی افتاد که همه ما شوکه شدیم. همه تلاش‌هایمان با مرگ این راننده بی‌نتیجه ماند. من هاج و واج بودم. حتی فراموش کرده بودم که قطرات اسید روی لباسم ریخته است. من فقط می‌خواستم راننده از آن عذاب وحشتناکی که گیرش افتاده بود، نجات پیدا کند؛ اما او جان خود را در مسیر رسیدن به بیمارستان، بر اثر شدت سوختگی از دست داد.»
ناصر غلامی می‌گوید: «این یکی از سخت‌ترین و تلخ‌ترین عملیات‌های زندگی من بود. تصویر آن راننده هیچ وقت از ذهن من پاک نمی‌شود. راننده‌ای که حتی فکرش را هم نمی‌کرد که یک لحظه افزایش سرعت، موجب مرگ دردناکش می‌شود.»

تا ۶ ماه بعد

این نجاتگر سابق هلال احمر در پایان می‌گوید: «خوشبختانه اسیدی که روی لباس من ریخته شده بود، به بدنم نفوذ نکرده بود وگرنه من نیز در آن حادثه دچار سوختگی می‌شدم. با همه اینها، بعد از آن حادثه تا ۶ ماه بعد، من با همان یک دست لباس در محل کارم روز را به شب رساندم.»

زن مورد اعتماد طراح سرقت بود

افشای راز سرقت ۳۰میلیاردی طلا از خانه خانم پرستار

خانم نظافتچی که با همدستی مرد جوانی، سناریوی سرقت طلاهای خانم پرستار به ارزش ۳۰میلیارد ریال را طراحی واجرایی کرده بودند با تلاش کارآگاهان تیزهوش شهریار دستگیر شدند. به گزارش «ایران» رسیدگی به این پرونده از ۱۵ خرداد ماه امسال کلید خورد و از زمانی قوت گرفت که سرپرستار یکی از بیمارستان‌های تهران به همراه همسرش به اداره پلیس مراجعه کرد و مدعی شدند که مقدار قابل توجهی طلا و اشیای گرانقیمت به ارزش ریالی ۳۰میلیارد ریال از خانه‌شان سرقت شده است.

اشک‌های خانم پرستار

خانم پرستار درحالی که چشم‌هایش پر از اشک بود، گفت: حاصل سال‌ها تلاش من و همسرم این اموال بود تا بتوانیم با فروش آن خانه بخریم که یک‌شبه به سرقت رفته است. طولی نکشید که این پرونده دراختیار کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت در شهریار قرار گرفت. تحقیقات اولیه از محل سرقت نشان می‌داد که سارق به راحتی و با داشتن کلید وارد خانه شده و سپس دست به سرقت زده است.

شناسایی دزد آشنا

کارآگاهان با این فرضیه که سارق یک فرد آشنا بوده است تحقیقات خود را به صورت پنهانی ادامه دادند تا اینکه به زن جوان رسیدند که به عنوان نظافتچی در خانه رفت وآمد داشت. در یک عملیات غافلگیرانه کارآگاهان با هماهنگی بازپرس به خانه زن نظافتچی رفتند و توانستند تعدادی از اموال سرقت شده را پیدا کنند. زن جوان که بشدت شوکه شده بود به اداره پلیس منتقل شد و در بازجویی‌ها به سرقت خود با همدستی مرد جوانی اعتراف کرد. سرهنگ فضل‌اله سواری‌پور رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار «ایران» با اشاره با اینکه خوشبختانه با اینکه تعدادی از اموال سرقت شده به شهرستان منتقل شده بود اما با تلاش کارآگاهان همه اموال بازگردانده شد، گفت: هم‌اکنون صددرصد اموال سرقت شده به مالباخته تحویل داده شده است. وی با بیان اینکه زن نظافتچی که ۳۰ سال سن دارد در اظهارات خود مدعی است از چند سال قبل درخانه مالباخته کار می‌کرد و اعتماد صاحبخانه را به خود جلب کرده بود، به‌طوری که همیشه کلید دراختیارش بوده و به خانه رفت وآمد داشته است. وی در اعترافاتش می‌گوید: یک روز با خانم صاحبخانه کار داشتم و وارد اتاق شدم که اتفاقی طلاها را دیدم. با آن همه طلا ناگهان وسوسه شدم و با همدستی یکی از آشنایان تصمیم گرفتیم طلاها را سرقت کنیم. مالباخته وقتی فهمید خدمتکار خانه‌اش دزد طلاهایش است شوکه شد. او در عین ناباوری گفت: هیچ وقت فکر نمی‌کردم این زن دزد باشد. او دو سه سال درخانه من رفت وآمد داشت و کاملاً به او اعتماد داشتم.

توصیه پلیس

سرهنگ سواری‌پور در پایان به شهروندان توصیه کرد به هیچ عنوان اموال قیمتی‌شان را در خانه نگهداری نکنند و از راه دادن افراد غریبه به حریم خصوصی خود خودداری کنند. بیشتر سناریوهای سرقت زمانی رخ می‌دهد که مالباختگان خود نیز در سرقت اموال‌شان دچار سهل‌انگاری هستند. رعایت اصول امنیتی برای پیشگیری از سرقت، یک موضوع لازم و ضروری در سبد خانوارها به شمار می‌رود.

عامل این قتل‌عام خانوادگی غیابی محاکمه شد

فرار قاتل مادر و نوزادش از مرزهای کشور

قاتل بی‌رحم که همسر و فرزند نوزادش را کشته است، با توجه به فرار و خارج شدن از مرزهای کشور، غیابی محاکمه شد.
بعد از افشای جنایت مشخص شد داماد فراری از روز خواستگاری داستان‌سرایی دروغی داشته و ازدواج اولش را هم پنهان کرده بود.

تماس همسایه‌ها با پلیس

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ به دنبال تماس مرد میانسالی با پلیس شهریار آغاز شد.
این مرد گفت: من و خانواده‌ام سال‌هاست ساکن ساختمانی در شهرک اندیشه شهریار هستیم. مدتی است یک زوج جوان که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند در همین آپارتمان همسایه ما هستند. گاهی اوقات صدای درگیری این زن و شوهر را می‌شنیدم و چون می‌دانستم اختلاف خانوادگی است، دخالتی نمی‌کردم. چند روز است صدایی از خانه همسایه به گوش نمی‌رسد و حتی من و همسرم صدای گریه نوزاد آنها را هم نشنیده‌ایم. می‌ترسیم بلایی سرشان آمده باشد.

کشف جسد زن جوان و نوزادش

با این تماس، مأموران به ساختمان قدیمی رفتند و پس از گشودن در آپارتمان این زوج با جسد زن جوان و نوزادش روبه‌رو شدند که چند روز از مرگشان گذشته بود. شواهد نشان می‌داد این مادر و فرزند خفه شده‌اند.

قاتل کجاست؟!

جسد با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران برای افشای راز جنایت به تکاپو افتادند. در بررسی‌ها روشن شد شوهر پرستو به نام رضا همزمان با کشته شدن همسر و فرزندش به مکان نامعلومی گریخته است.
با افشای این ماجرا فرضیه دست داشتن مرد جوان در جنایت خانوادگی قوت گرفت و مأموران به بازجویی از خانواده پرستو پرداختند.
مادر پرستو که شوکه شده بود به مأموران گفت: ۲ سال قبل رضا به خواستگاری دخترمان آمد. او می‌گفت همه اعضای خانواده‌اش در یک حادثه فوت شده‌اند و او کسی را ندارد. ما ابتدا مخالفت کردیم اما او با اصرارهایش توانست موافقت ما را به این وصلت جلب کند. دخترم و رضا با برگزاری یک مراسم ساده زندگی‌شان را شروع کردند. آنها به تازگی صاحب یک فرزند شده بودند، اما دامادمان بیکار بود و همین مشکلات مالی باعث اختلاف‌های او و دخترمان شده بود.
این زن ادامه داد: وقتی اختلافات دختر و دامادمان بالا گرفت و رضا مدعی بود دخالت‌های ما باعث این مشکلات شده است، با آنها قطع رابطه کردیم. مدتی بود از دخترمان خبر نداشتیم که مطلع شدیم او و نوه‌مان کشته شده‌اند.

فرار از کشور

در حالی که ردیابی مرد خشن به نتیجه نرسیده بود پلیس دریافت وی احتمالاً به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده است.

افشای راز ازدواج اول

مأموران در گام دیگری از بررسی‌ها توانستند خانواده رضا را که در یکی از شهرهای غربی کشور سکونت داشتند، شناسایی کنند.
پدر پیررضا گفت: من و پسرم همیشه با هم اختلاف داشتیم. به همین خاطر سال‌هاست هیچ رابطه‌ای با او ندارم و از آن بی‌خبرم، اما پسرعموی رضا اطلاعات تازه‌ای در اختیار پلیس قرار داد. وی گفت: رضا سال‌ها قبل وقتی دانشجو بود به یکی ازهمکلاسی‌هایش علاقه‌مند شد و به خواستگاری او رفت و با هم ازدواج کردند، اما بعد از مدتی و در حالی که به تازگی صاحب فرزند شده بودند با هم اختلاف پیدا کردند و از هم جدا شدند. بعد از این جدایی رضا فرزندش را به زن سابقش سپرد و برای همیشه به تهران رفت.
وی ادامه داد: چند سال از این ماجرا گذشته بود که رضا همراه یک زن جوان مقابل خانه‌مان آمد و گفت به تازگی ازدواج کرده است. آنها به خانه ما آمدند و شب را هم آنجا ماندند، اما چون رضا و پدرش با هم قطع رابطه بودند صبح روز بعد از او خواستم خانه‌ام را ترک کند، چون اگر پدرش به این ماجرا پی می‌برد از من دلخور می‌شد. آنها همان روز خانه‌ام را ترک کردند و دیگر هیچ خبری از آنها ندارم.
در حالی که تلاش اینترپل نیز برای ردیابی مرد خشن بی‌نتیجه مانده بود، پرونده جنایت خانوادگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به آن رسیدگی شود.

محاکمه غیابی متهم فراری

در این جلسه که اولیای‌دم حضور نداشتند، وکیل آنها گفت: پدر و مادر پرستو برای دامادشان حکم قصاص خواسته‌اند. آنها می‌گویند دامادشان آنها را فریب داده تا راضی به ازدواج او با دخترشان شده‌اند، اما رضا دخترشان را بی‌رحمانه کشته است و حالا برایش قصاص می‌خواهند.
سپس وکیل تسخیری متهم روبه‌روی قضات ایستاد و گفت: پلیس در این ۴ سال نتوانسته هیچ ردی از موکلم پیدا کند و نمی‌دانم او به کجا گریخته است.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا به صورت غیابی برای مرد خشن حکم صادر کنند.

شرایط صدور و اجرای حکم غیابی

محمد شمس، حقوقدان در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» درباره صدور حکم غیابی و شرایط اجرای آن گفت: رأی دادگاه منوط به حضور متهم یا وکیل وی در یکی از جلسات محاکمه یا ارسال لایحه از سوی آنها است. حتی اگر متهم یا وکیل وی در دادسرا حاضر شوند ولی در مرحله دادگاه حضور نداشته باشند یا لایحه ندهند، حکم از سوی دادگاه غیابی صادر می‌شود. مهلت اعتراض به رأی غیابی ۲۰ روز بعد از اطلاع از مفاد رأی است. یعنی اگر رأی صادره علیه متهم به صورت واقعی به خود وی یا وکیلش ابلاغ شود، ظرف ۲۰ روز مهلت اعتراض دارد و بعد از آن ظرف ۲۰ روز فرصت دارد فرجام‌خواهی کند، اما چنانچه حکم غیابی صادر شود و به صورت قانونی به وی ابلاغ شود، یعنی به یکی از بستگان وی یا از طریق نشر آگهی صورت بگیرد، در این صورت نیز متهم بعد از ۲۰ روز مهلت اعتراض و فرجام‌خواهی دارد اما در این صورت حکم غیرقطعی است، یعنی هر زمان که متهم از آن مطلع شود، می‌تواند نسبت به آن اعتراض کند.
شمس در رابطه با قابلیت اجرای حکم غیابی گفت: هر حکمی که صادر و ابلاغ شود، قابل اجرا است، اما اگر حکم واقعی به متهم یا وکیلش ابلاغ شود و مدت زمان اعتراض به آن منقضی شود، راه برگشت وجود ندارد و قطعی است، اما اگر ابلاغ قانونی صورت بگیرد و مدت زمان اعتراض به آن منقضی شود، غیرقطعی است.
این وکیل دادگستری ادامه داد: چنانچه متهم فراری باشد و امکان دسترسی به وی ممکن نباشد، در این صورت قرار رسیدگی غیابی برای وی صادر می‌شود و این موضوع در روزنامه‌های کثیرالانتشار در دو نوبت و به فاصله ۱۰ روز منتشر می‌شود. در صدور حکم غیابی از سوی دادگاه، اگر متهم به قتل از ابتدا شناخته نشده باشد، دیه از صندوق بیت‌المال به اولیای‌دم پرداخت می‌شود، اما اگر متهم شناخته شده باشد ولی دسترسی به وی ممکن نباشد، اولیای‌دم می‌توانند از محل دارایی‌های وی و با اجازه دادگاه دیه را برداشت کنند، اما اگر اموال متهم ناکافی باشد، اولیای‌دم می‌تواند سراغ عاقله یا بستگان ذکور نسبی وی بروند. چنانچه اموال آنها نیز کافی نباشد، اولیای‌دم می‌توانند درخواست دیه از صندوق بیت‌المال را مطرح کنند.
محمد شمس گفت: در پرونده‌هایی که متهم فراری است، همچنان تلاش پلیس برای ردیابی متهم فراری ادامه دارد و چنانچه وی ردیابی و بازداشت شود، اولیای‌دم می‌توانند دیه دریافت شده را برگردانند و حکم قصاص را اجرا کنند.